

# فراز و فرود بودجه ۱۴۰۰

تحلیل فرآیند بررسی بودجه از زوایای مختلف





# مهدی زینالو

مدیر مرکز مطالعات پارلمان



“

## مقدمه

لایحه‌ی بودجه به عنوان مهم ترین سند مالی کشور اگرچه- شاید جز چند صباحی مورد توجه کارشناسان و مردم نباشد اما ساکنان دار حرکت تمام دستگاه‌ها است و تأثیرات شگرفی بر مسیر حرکت کشور دارد. فرآیند بودجه ریزی و تصویبش از جمله موضوعات گسترده و پیچیده‌ای است که برای تحلیل آن نیاز به ورود متخصصین از حوزه‌های متفاوت است. مجموعه حاضر با عنایت به این موضوع، تلاش دارد تا از یک سو برخی از مهم ترین رخدادهای کمیسیون تلفیق را روایت کند و با نگاهی دیگر با تحلیل روند بودجه ۱۴۰۰ میزان کارآمدی فرآیند تصویب آن را بررسی نماید و از سویی دیگر نقش بودجه در میان اسناد سیاستی کشور را مورد مذاقه قرار دهد. با تحلیل آهنگ نا هماهنگ نظام برنامه‌ریزی در کشور تحلیلی از دوره‌های زمانی برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی ارائه کند و در نهایت با پرسش در مورد معیارهای بودجه‌ی خوب، طرحی نو برای بودجه‌ریزی در کشور پیشنهاد نماید. آن چه پیش روی شماسست حاصل عبور از رویکردهای جزمی به حوزه‌های کلاسیک دانش و شکافت و تحلیل چند بعدی مسایل است که امیدواریم مورد اقبال مخاطبین عزیزمان باشد

”



# در کمیسیون تلفیق چه ہے گذرد؟



## سینا ضیایی

### کارشناس گروه اقتصادی

آن در کشور ما به صورت خاص برآمده‌اند. فارغ از اینکه چه سازوکاری برای بررسی بودجه در کمیسیون تلفیق وجود دارد، ساختار انتخابات مجلس، ترجیحات نمایندگان و گستردگی وظایف محوله به آن‌ها به گونه‌ای است که اساساً نمی‌توان انتظار اصلاح اساسی در مسئله‌ای پیچیده مانند بودجه‌ریزی داشت. به عنوان نمونه یکی از موانعی که هر گونه اصلاح در بودجه را با اختلال مواجه می‌کند، نگاه بخشی و محلی نمایندگان مجلس به مسئله بودجه‌ریزی است. اعضای کمیسیون تلفیق تعدادی از نمایندگان مجلس هستند که به واسطه نظام انتخاباتی حاکم، عمدتاً منافع محلی را به منافع ملی ترجیح می‌دهند. عدم وجود سازوکارهای مناسب برای جلوگیری از تعارض منافع شخصی نمایندگان به این مسئله دامن زده و باعث شده در برخی موارد منافع شخصی و سازمانی این افراد حتی از منافع محلی نیز اولویت بالاتری داشته باشد. البته این معضل مختص به کمیسیون تلفیق نمی‌شود و به طور کلی هر نوع قانون‌گذاری در مجلس را تحت الشعاع قرار می‌دهد. اما بودجه گلوگاهی اساسی است که اهمیت این موضوع بیش از پیش نشان داده می‌شود. اولاً در وضعیت فعلی، در قانون بودجه به عنوان سند اصلی تعیین‌کننده چگونگی هزینه‌کرد منابع در کوتاه‌مدت، امکان

بعد از ارائه لایحه بودجه ۱۴۰۰ توسط دولت به مجلس، اما و اگرهای زیادی در مورد رد یا اعمال اصلاحات جدی به این بودجه توسط مجلس مطرح می‌شد و انتظار می‌رفت کمیسیون تلفیق به عنوان متولی اصلی بررسی بودجه در مجلس، تصمیمات اساسی در این خصوص اتخاذ کند

اما آن‌چه که در نهایت به عنوان خروجی این بازیگر فرآیند بودجه‌ریزی کشور مشاهده شد، نه کاهش کسری بودجه و بلکه عمدتاً دامن زدن به نقاط ضعف بود

البته این موضوع مختص به بررسی بودجه سال جاری نبوده و پدیده‌ای است که مستقل از گرایش سیاسی اکثریت حاکم بر مجلس و این کمیسیون و هم‌چنین مناسبات سیاسی دولت و مجلس، تقریباً همه ساله در فرآیند بودجه‌ریزی کشور قابل مشاهده است. در این نوشتار به طور خلاصه به عوامل احتمالی توضیح‌دهنده این پدیده می‌پردازیم

موانعی که باعث ناتوانی کمیسیون تلفیق در اعمال اصلاحات مناسب بر لایحه بودجه می‌شوند، به دو دسته قابل تقسیم هستند. دسته اول مشکلاتی هستند که از ساختار مجلس نمایندگان به صورت عام و نحوه انتخابات

اعمال هرگونه تغییرات حتی در صورت مغایرت با قوانین دیگر وجود دارد (تصویب پیشنهادات خلاف قوانین فعلی با دو سوم آراء امکان‌پذیر است). ثانیاً این تغییرات هر ساله قابل اعمال هستند (بر خلاف سایر قوانین که عمدتاً تغییر آن‌ها فرآیندی زمان‌بر است). لذا لایحه بودجه یک فرصت طلایی برای نمایندگان است که منویات خود را هر ساله و حتی اگر خلاف قوانین فعلی باشد به کرسی بنشانند. در نتیجه تلاش برای اضافه کردن بودجه یا گرفتن تسهیلات از کانال قانون بودجه برای حوزه انتخابیه یا دستگاه مورد نظرشان امری گریزناپذیر در ساختار کنونی است

دسته دیگر از مشکلات به سازوکار درونی کمیسیون تلفیق اعم از ترکیب اعضا، نحوه ارائه پیشنهادات، و میزان اثرگذاری حاضران مختلف در جلسه کمیسیون تلفیق شامل دولت، مرکز پژوهش‌های مجلس و دیوان محاسبات بازمی‌گردد. اعضای کمیسیون تلفیق شامل ۹ نماینده از کمیسیون برنامه و بودجه و ۳ نماینده از سایر کمیسیون‌هاست. به طور طبیعی نمایندگان کمیسیون‌ها به دنبال پیشبرد پیشنهادهای این کمیسیون‌ها در مورد بودجه هستند. پیشنهادهای که عمدتاً با نگاه بخشی و بدون توجه به اثرات کلان آن بر روی اقتصاد کشور مطرح می‌شوند. این پیشنهادات عمدتاً از جنس تخصیص منابع به گروه یا دستگاه اجرایی خاصی هستند. اما ایجاد جابه‌جایی ردیف‌های هزینه‌ای در نظر گرفته شده در لایحه بودجه برای اکثر نمایندگان امری دشوار بوده و در نهایت اختیار آن نیز بر عهده هیئت ریسه کمیسیون تلفیق است، لذا اعضای کمیسیون برای پیشبرد پیشنهادات خود باید به دنبال ایجاد منابع درآمدی جدید باشند. از طرف دیگر، اکثر نمایندگان دانش لازم نسبت به بودجه را نداشته و در خوشبینانه‌ترین حالت، به آن به عنوان یک سند حسابداری نگاه می‌کنند. در این نگاه، تفاوتی میان درآمدهای مختلف از منظر احتمال تحقق‌پذیری آن‌ها و تاثیرات آن‌ها بر متغیرهای مهم اقتصاد کشور از جمله تورم، رشد و بیکاری وجود ندارد یا در بهترین حالت صرفاً به اثرات کوتاه‌مدت آن‌ها توجه می‌شود. لذا خروجی این وضعیت، نه تنها به کاهش هزینه‌های غیر ضروری کمی نمی‌کند، بلکه باعث

هزینه تراشی‌های اضافی و اضافه کردن منابع درآمدی غیر قابل تحقق به بودجه کشور می‌شود. برای نمونه اعضای کمیسیون آموزش به دنبال همسان‌سازی حقوق اعضای هیئت علمی هستند، اعضای کمیسیون امنیت ملی افزایش حقوق بازنشستگی نظامیان را دنبال می‌کنند و اعضای کمیسیون بهداشت نیز با مشمول مالیات شدن کارانه پزشکان یا عدم استفاده از منابع صندوق توسعه برای پرداخت کارانه پزشکان و پرستاران مخالفت می‌کنند در این تصمیم‌گیری‌ها، مسئله تعارض منافع نیز بسیار اثرگذار است

برای نمونه بسیاری از اعضای کمیسیون تلفیق به صورت مستقیم از تصمیم‌گیری در مورد حقوق اعضای هیئت علمی یا مالیات آن‌ها، متاثر می‌شوند. لذا وجود معافیت‌های مالیاتی خاص برای این گروه امر دور از انتظاری نیست

این در حالی است که نداشتن نفع مستقیم تصمیم‌گیر یا افراد با اثرگذاری بالا، یک شرط ضروری نظام تصمیم‌گیری علی‌الخصوص در بالاترین سطح قانون‌گذاری است. جالب اینجاست که آیین‌نامه داخلی کمیسیون تلفیق برای دستگاه‌های اجرایی ذی‌نفع به این موضوع توجه کرده و آن‌ها را از حضور در هنگام رای‌گیری منع کرده اما تدبیری برای نمایندگان ذی‌نفع اندیشیده نشده است سازوکار بده بستان بین اعضای کمیسیون تلفیق که البته امری طبیعی است باعث تقویت اتفاقات فوق‌الذکر می‌شود. از آن جا که هر کدام از اعضا (کمیسیون‌ها) برای به کرسی نشاندن پیشنهادات خود نیاز به رای سایر اعضای کمیسیون تلفیق نیز دارند، تعادلی شکل می‌گیرد که در آن تصمیمات گرفته شده هر چند به نفع گروه یا گروه‌های خاصی از جامعه است اما در مجموع موجب افزایش کسری بودجه شده و به اقتصاد کشور ضربه می‌زند. از طرف دیگر پیشنهادهای که اتفاقاً به نفع اکثریت افراد جامعه بوده، به دلیل نداشتن پایگاه حمایتی متمرکز و متضرر شدن گروه یا گروه‌های خاص به سختی قابلیت تصویب در کمیسیون را دارند

معضل دیگری که کمیسیون تلفیق با آن روبروست ارائه

پژوهشها به دلیل مخالفت نمایندگان مرکز با اکثر پیشنهادهای اعضای کمیسیون تلفیق که عمدتاً غیر تخصصی هستند، محدود بوده و تعاملات اعضای آن (اعم از ارائه پیشنهاد یا لابی برای جمع‌آوری رای) به چند نماینده خاص که عمدتاً اعضای کمیسیون اقتصادی هستند، تقلیل یافته است

هیئت ریسه کمیسیون تلفیق بیشترین تأثیر را در پیش‌برد یا رد پیشنهادهای اعضا دارد. فرسایشی کردن فرآیند بررسی یک پیشنهاد خاص، امکان ورود به مباحث بدون گرفتن نوبت، ایجاد بی‌نظمی در فرآیند بررسی پیشنهادهای و داشتن اختیار در تعیین زمان پایان رای‌گیری هر پیشنهاد از استراتژی‌های اعضای هیئت ریسه است

البته مهم‌تر از همه این‌ها تعیین جداول بودجه که ردیف‌های درآمدی و هزینه‌ای با جزئیات در آن‌ها تعیین شده در خارج از فرآیند کمیسیون تلفیق و توسط هیئت ریسه صورت می‌پذیرد

که قدرت اعمال نظر قابل توجهی به این اعضا می‌دهد در نهایت به نظر می‌رسد برای اصلاح فرآیند بررسی بودجه در کمیسیون تلفیق علاوه بر اصلاحاتی که در آیین‌نامه داخلی کمیسیون تلفیق و احتمالاً آیین‌نامه مجلس صورت پذیرد، در میزان نقش این کمیسیون در ایجاد تغییرات نیز باید بازنگری جدی صورت پذیرد

پیشنهادات خلق الساعه است. تنها محدودیتی که برای ارائه پیشنهاد از سوی اعضای کمیسیون تلفیق در آیین‌نامه داخلی این کمیسیون گذاشته شده، ارائه پیشنهاد تا قبل از قرائت متن تبصره مورد نظر است. لذا در این وضعیت خیل عظیمی از پیشنهادهای توسط اعضای کمیسیون ارائه می‌شود که فاقد هرگونه گزارش کارشناسی پشتیبان بوده و حتی بعضاً بدیهیات قانون‌نویسی نیز در آن‌ها رعایت نمی‌شود. این موضوع باعث می‌شود تا بخش عمده‌ای از زمان بررسی لایحه بودجه صرف پیشنهادهای فاقد پشتوانه علمی شود. ناگوارتر آنکه برخی از این پیشنهادهای در راستای بده‌بستان موجود میان اعضا در کمیسیون تلفیق به تصویب کمیسیون نیز می‌رسند. این موضوع باعث می‌شود تا زمان کمتری برای ارائه پیشنهادهای تخصصی اختصاص داده شود

البته مشارکت کم دو کمیسیون «برنامه و بودجه» و «اقتصادی» نیز در غلبه پیشنهادهای غیر تخصصی و عمدتاً هزینه‌زا، بی‌تأثیر نیست. عدم مشارکت اعضای این دو کمیسیون - که انتظار می‌رود حداقل به طور متوسط دانش علمی بودجه‌ای بالاتری نسبتاً به سایر اعضای کمیسیون تلفیق داشته باشند - و همچنین ضعف لابی‌گری آن‌ها باعث می‌شود در بسیاری موارد کاستی‌ها و اثرات منفی پیشنهادهای غیر تخصصی مشخص نشوند. این موضوع تا حدودی در مورد مرکز پژوهشهای مجلس نیز صادق است. البته در مجلس فعلی، حوزه اثرگذاری مرکز



**بودجه از نگاهے دیگر**





## امیر احمد ذوالفقاری

### مدیر گروه تنظیم گری

را تا حد زیادی مرتفع ساخته است؛ گذشته از این موضوع انتخابات پیش رو و کمک دولت به جریان همسویش در این عرصه را نیز در نظر بگیرید؛ آری! انگیزه کافی برای دولت فراهم است تا بودجه‌ای را به مجلس بیاورد که طرف مصارف آن بسیار بزرگ شده و تناسبی با طرف منابع ندارد

از سوی دیگر با عنایت به نگاه انتقادی مجلس نسبت به دولت و ناهمسویی سیاسی دو قوه عجیب نبود که لایحه در مجلس با استقبال گرمی مواجه نشود و کار به گونه‌ای پیش رفت که اتفاق نادر دیگری رخ داد؛ رد کلیات لایحه بودجه در صحن، البته پس از تصویب آن در کمیسیون تلفیق کارشناسان اقتصادی و نمایندگان محترم مجلس در این روزها در رابطه با دلایل این اتفاقات مطالب زیادی از جمله موضوع عدد بالای کسری احتمالی این بودجه را بیان داشته‌اند که قسمتهای قابل توجهی از این اشکالات وارد هستند اما قصد نگارنده ورود به این مباحث نیست بلکه می‌خواهد حالا که بحث بودجه داغ شده و مورد توجه افکار عمومی قرار گرفته است، به دو مورد از اشکالات بودجه بپردازد که کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. ۱. نمایندگان محترم مجلس از ابتدای تقدیم لایحه بودجه از سوی دولت، با تأکید زیاد عنوان داشتند که طرف منابع

بودجه ۱۴۰۰ از همان ابتدای تولدش متفاوت بود؛ اینکه طی اقدامی نادر، معاون پارلمانی رئیس‌جمهور لایحه را به نائب رئیس دوم مجلس تحویل داد هرچند به پای کرونا نوشته شد اما تنها نقطه آغازی بر نمایش متفاوت فرایند تصویب این بودجه بود. تفاوتی که از قبل تا حدودی پیش‌بینی می‌شد؛ هرچند فضای شدید تورمی اقتصاد در سال‌های اخیر که مردم را دچار مشکلات معیشتی جدی کرده، بهانه‌ای به دست دولت داده تا با افزایش حقوق و دستمزد کارکنانش ادعای جبران کاهش سطح معیشت آنها را داشته باشد (اقدامی که تا کنون انجام نداده است) اما قراردادن دولت در سال پایانی کارش انگیزه لازم را برای این اقدام به وجود آورده است

پرواضح است که اگر منابع افزایش حقوق و دستمزدها از محل مناسبی تأمین نشود، تورمی شدیدتر از وضع موجود را در پی خواهد داشت

و نهایتاً سطح معیشت مردم از میزان کنونی نیز پایین‌تر خواهد شد اما از آنجائیکه چنین اقداماتی ابتدا اثر معیشتی مثبت زود هنگام دارد و با کمی فاصله (احتمالاً در دوره دولت بعدی) آثار تورمی آن آشکار می‌شود، نگرانی دولت



این لایحه واقعی نیست اما طرف مصارف کاملاً واقعی است و این یعنی کسری بودجه جدی در سال آینده که در میان صحبت‌های نمایندگان ارقامی بیش از ۴۰۰ هزار میلیارد تومان برای کسری بودجه ذکر می‌شد و این هشدار مطرح می‌شد که این کسری بودجه دولت را به سمت دست‌درازی به منابع بانک مرکزی سوق داده و کشور را به سمت ونزوئلایی شدن (شرایط ابرتورمی) پیش خواهد برد؛ اگرچه رئیس‌جمهور و رئیس سازمان برنامه و بودجه این اشکال را به لایحه بودجه ۱۴۰۰ وارد نمی‌دانستند اما در اینجا حق با نمایندگان مجلس بود. از طرفی قرار نبود که لایحه بودجه به صرف ارائه آن توسط دولت تبدیل به قانون شود و مجلس می‌توانست اصلاحات مدنظرش را در آن اعمال نماید. به همین منظور کمیسیون تلفیق که در آن ۹ نفر از اعضای کمیسیون تخصصی برنامه و بودجه حضور دارند و سایر کمیسیون‌ها نیز هر یک سه نماینده در آن دارند قاعدتاً باید عصاره تخصصی مجلس در بررسی لایحه بودجه باشد، تشکیل شد و انتظار این بود که مجلس با آن سبقه انتقادی از لایحه، مشکل کسری بودجه لایحه را تا حد مناسبی برطرف نموده و اصطلاحاً بودجه را به واقعیت نزدیک کند. یعنی یا کلیات آن در کمیسیون تلفیق رد می‌شد یا اینکه کمیسیون در راستای مصالح کلان کشور، طرف مصارف بودجه را کاهش داده و کشور را به سمت صرفه‌جویی سوق می‌داد اما پس از برگزاری جلسات متعدد و محرمانه، نهایتاً گزارش کمیسیون تلفیق منتشر شد که بیانگر این بود که اصلاح قابل ملاحظه‌ای در رابطه با مشکل کسری بودجه صورت نگرفته است

کمیسیون تلفیق طرف منابع را نه با افزایش منابع درآمدی همچون مالیات بلکه با اقداماتی همچون افزایش رقم تبدیل نرخ ارز حاصل از فروش نفت تقویت کرده بود

و در طرف مصارف نیز از صرفه‌جویی مورد نیاز شرایط کنونی کشور خبری نبود. انسان ناخودآگاه به یاد شعر زیر از جناب لسان الغیب می‌افتد که می‌فرماید  
مشکلی دارم ز دانشمند مجلس باز پرس

توبه فرمایان چرا خود توبه کمتر می‌کنند  
هرچند وقتی که مصوبه کمیسیون به صحن آمد کلیات آن در صحن رد شد و دولت ملزم به اصلاح لایحه گردید اما این سؤال همچنان باقی است که سازوکار داخل کمیسیون تلفیق چگونه است و مناسبات در آنجا به چه صورتی است که چنین نتایجی دارد؟ آیا در کمیسیون تلفیق مصالح کلی کشور در نظر گرفته می‌شود یا مصالح دیگری محوریت دارد؟ هرچند این ابهام سالهاست در مورد کمیسیون تلفیق وجود دارد اما امسال به دلیل اینکه مشکل کسری بودجه به سطح حاد خود رسیده است، پررنگ تر شده و این می‌تواند بهانه‌ای برای پرداختن به اقتصاد سیاسی تصمیم‌گیری در کمیسیون تلفیق باشد

۲. نکته بنیادی‌تری که در رابطه با بودجه وجود دارد این است که این سند در سال‌های اخیر کم‌کم دارد دچار یک انحراف ماهیتی از آنچه که باید می‌بود، می‌شود. بودجه قاعدتاً باید یک سند مالی یکساله باشد؛ سندی که در آن منابع درآمدی دولت طی یک سال، مطابق آنچه که واقعاً محقق خواهد شد مشخص شده و متناسب با آن مصارف نیز مشخص گردد، اما بودجه در حال تبدیل شدن به یک سند حسابداری است. یعنی طرف مصارف مشخص شده و سپس برای تراز شدن آن موارد درآمدی ردیف می‌شوند که در این بین برای جلوگیری از ناترازی، درآمدهای غیرواقعی در نظر گرفته شده و یا با ارقامی همچون نرخ تسعیر درآمدهای ارزی بازی می‌شود تا بودجه تراز شود. انحراف دیگر این است که بودجه در سال‌های اخیر دارد شکل یک سند سیاستی نیز به خود می‌گیرد و در بخش‌های ساختاری کشور و حوزه قانون‌های دائمی دخالت می‌کند

یعنی اموری همچون ساختارسازی و یا تغییر وظایف و اختیارات دستگاه‌های دولتی که قاعدتاً باید در قالب قوانین دائمی برای آنها تصمیم‌گیری شود، قانون یک ساله بودجه متعرض آن می‌شود

البته این اقدام مسبوق به سابقه است و نمونه‌های آن در قوانین برنامه‌های پنجساله توسعه است که موارد متعددی از اصلاح قوانین دائمی در آنها اتفاق افتاده است و آخرین نمونه آن برنامه ششم توسعه است که طی آن مثلاً در مورد

داشت. اگر اصلاحاتی لازم است باید از مسیر خودش و در قالب اصلاح قوانین دائمی مربوطه اتفاق بیفتد نه از طریق قوانین موقت که پس از اتمام مدت زمان آنها ابهامات قانونی بیشتر شود

بانک مرکزی تغییراتی همچون اضافه کردن شورای فقهی به عنوان یک رکن به ساختار بانک مرکزی، تغییر ترکیب شورای پول و اعتبار، تغییر برخی از اختیارات بانک مرکزی و ... را می‌توان به عنوان نمونه اشاره نمود. در حالی که این اقدامات نتیجه‌ای جز بی‌ثباتی قانونی در کشور نخواهد



**سند بودجه  
از خرده سیاست  
تا جایگزینی خلاسیاستی**



## سید صادق امامیان

رئیس هیئت مدیره

ابهامی بنیادین که در ادامه زنجیره‌ای از سوالات به هم تنیده نظیر اینکه سیاست‌گذاری وظیفه کیست، ابزار آن چیست و چه زمانی سیاست عمومی «گذارده»<sup>۱</sup> شده محسوب می‌شود، را هم به دنبال دارد. بدون ورود به حل این مناقشه در این نوشتار، به این نکته بسنده می‌کنم

که تفکیک کاذب سیاست از اجرا، و غفلت از مفهوم «حکمرانی‌پذیری»<sup>۱</sup> ریشه اصلی سوء تفاهم موجود است

1. Governmentality

سیاست اجرا نشده- یا اجرانشدنی- اساساً گذارده نشده است و سیاستی که بجای تحریض «اقدام جمعی»<sup>۲</sup> بر ارایه خدمات متمرکز بناشده باشد، تصمیمی اداری است که فرسنگ‌ها از مبانی مفهوم سیاست‌گذاری عمومی فاصله دارد

نظام حکمرانی کشور ما هرچند از منظر حقوقی با پدیده «تورم سیاستی»<sup>۳</sup> و تداخل نهادها و لایه‌های متعدد قانون‌گذار و سیاست‌گذار مواجه است، در عمل اما از

به خاطر دارم زمانی که برای ارائه مشاوره سیاستی به یکی از نهادهای عالی سیاست‌گذاری کشور دعوت شده بودم، عنوان ارایه مقدماتی را تعمداً «از سیاست‌نویسی تا سیاست‌گذاری» انتخاب کرده بودم. واکنش تند اعضا به آنچه اتهام بنده به آن نهاد معظم در کم‌کاری در سیاست‌گذاری برداشت شده بود، بیش از آنچه فکر می‌کردم موفقیت‌آید «تحریک سیاستی» انتخاب شده را مشخص کرد. تمام هدف نگارنده در آن جلسه محترم، تعریض به این نکته بود که با تبدیل شدن به ماشین تولید «اسناد سیاستی»، عملاً در حال نهادینه‌سازی انحرافی مبنایی در اغلب نهادهای سیاست‌گذار ملی هستیم. نگاشتن اسناد سیاستی- حتی اگر جامع، قابل دفاع و اجراپذیر تدوین شده باشند- می‌تواند تنها یکی از گام‌های مقدماتی فرایند طولانی- و البته غیرخطی- سیاست‌گذاری باشد به عنوان یک محقق حوزه حکمرانی از اینکه هنوز مفهوم، حدود و اجزای سیاست عمومی<sup>۴</sup> از جمله موضوعات مورد مناقشه در سطوح عالی تصمیم‌گیری باقی‌مانده است، احساس قصور و تقصیر می‌کنم

1. Policy Nudge
2. Public Policy
3. Public Policy Making
4. Collective Action
5. Policy Inflation



نوعی خلاصی سیاستی واضح رنج می‌برد. از طرفی ترکیب پیچیده‌ای از شوراها و ستادهای فرا و بین‌قوه‌ای در کنار نهاد تقنینی کشور، مدلی از «حکمرانی چندلایه»<sup>۱</sup> را نمایندگی می‌کند. در مقابل اما، نبود سازوکارهای متناسب «تحقق و اجرایی‌سازی» و «نظارت و اثربخشی»<sup>۲</sup>، نوع بدیعی از پدیده «فلج سیاستی»<sup>۳</sup> و «تعارض حکمرانی»<sup>۴</sup> را در کشور بوجود آورده است که در عمل منجر به انباشت انبوهی از اسناد مدون، سیاست‌های ابلاغ شده و قوانین مصوب، گاه بدون کمترین اثری در ساحت عمومی، شده است. پدیده‌ای که در این نوشتار از آن به «خلاصی سیاستی»<sup>۵</sup> تعبیر می‌شود

در بستر چنین خلاصی عملی در حیطه سیاست‌گذاری، سند بودجه سالانه کشور یک استثناء نسبی تلقی می‌شود. علیرغم این واقعیت که بین بودجه مصوب و میزان هزینه‌کرد واقعی، مداخلات غیرقانونی<sup>۶</sup> اما سابقه‌داری در سنت اداری کشور نهادینه شده است، سند بودجه از امتیازات منحصر بفردی بهره می‌برد. هرچند منطقی انتظار اولیه از سند بودجه ترجمه مالی برنامه‌ها و سیاست‌های مصوب قبلی در بازه یکساله است

در بستر چنین خلاصی عملی در حیطه سیاست‌گذاری، سند بودجه سالانه کشور یک استثناء نسبی تلقی می‌شود. علیرغم این واقعیت که بین بودجه مصوب و میزان هزینه‌کرد واقعی، مداخلات غیرقانونی<sup>۶</sup> اما سابقه‌داری در سنت اداری کشور نهادینه شده است، سند بودجه از امتیازات منحصر بفردی بهره می‌برد. هرچند منطقی انتظار اولیه از سند بودجه ترجمه مالی برنامه‌ها و سیاست‌های مصوب قبلی در بازه یکساله است

از دیگر سوی، جذابیت «خرده‌سیاست»<sup>۷</sup> چانه‌زنی‌های بخشی و منطقه‌ای هم معمولاً عمده توجه نمایندگان را جلب می‌کنند. مجموعه عواملی که نهایتاً پتانسیل سیاستی سند بودجه کشور را - علیرغم موقعیت کم‌نظیر و خلاصی سیاست‌های بالادستی با التزام اجرایی کافی - همواره به محاق برده‌اند. توجه به این نکته ضروری است که در موارد معدودی که بودجه پیشنهادی دولت‌ها نشانه‌هایی از تحولات معتنا به داشته‌اند، غالباً متأثر از فرایند «سیاست‌زدگی مفرط»<sup>۸</sup> و «ذهنیت رای‌آوری مجدد»<sup>۹</sup> به ویژه در سال‌های منتهی به انتخابات‌ها هستند

ناظر به تحلیل فوق، بسته‌ای از رویکردهای سیاستی از جمله موارد زیر قابل تامل بنظر می‌رسند

۱- هرم پیچیده و چندلایه سیاست‌گذاری کلان و

نوعی خلاصی سیاستی واضح رنج می‌برد. از طرفی ترکیب پیچیده‌ای از شوراها و ستادهای فرا و بین‌قوه‌ای در کنار نهاد تقنینی کشور، مدلی از «حکمرانی چندلایه»<sup>۱</sup> را نمایندگی می‌کند. در مقابل اما، نبود سازوکارهای متناسب «تحقق و اجرایی‌سازی» و «نظارت و اثربخشی»<sup>۲</sup>، نوع بدیعی از پدیده «فلج سیاستی»<sup>۳</sup> و «تعارض حکمرانی»<sup>۴</sup> را در کشور بوجود آورده است که در عمل منجر به انباشت انبوهی از اسناد مدون، سیاست‌های ابلاغ شده و قوانین مصوب، گاه بدون کمترین اثری در ساحت عمومی، شده است. پدیده‌ای که در این نوشتار از آن به «خلاصی سیاستی»<sup>۵</sup> تعبیر می‌شود

در بستر چنین خلاصی عملی در حیطه سیاست‌گذاری، سند بودجه سالانه کشور یک استثناء نسبی تلقی می‌شود. علیرغم این واقعیت که بین بودجه مصوب و میزان هزینه‌کرد واقعی، مداخلات غیرقانونی<sup>۶</sup> اما سابقه‌داری در سنت اداری کشور نهادینه شده است، سند بودجه از امتیازات منحصر بفردی بهره می‌برد. هرچند منطقی انتظار اولیه از سند بودجه ترجمه مالی برنامه‌ها و سیاست‌های مصوب قبلی در بازه یکساله است

اما در عمل عدم ارتباط و تلازم معنادار مفاد این سند و سیاست‌های کلی ابلاغی و یا برنامه‌های توسعه، بودجه را به تنها مصوبه نسبتاً مستقل با ضمانت اجرایی مالی مبدل کرده است

همچنین ویژگی‌هایی چون سرعت بالای بررسی و تصویب، امکان طلایی دور زدن فرایند طولانی و پیچیده قانون‌گذاری، عدم وجود چک و بالانس‌های موثر در اطمینان از سازگاری با انبوه قوانین مصوب قبلی، و امکان

1. Multi-level Governance
- 2.
3. Policy Paralysis
4. Governance Ambivalence
5. Policy Vacuum

در سنتی استثنایی، لایحه بودجه، پس از تصویب در مجلس، در مراحلی چون امضای تفاهه‌نامه سازمان مدیریت و دستگاه‌ها، و بعد از آن میزان تخصیص و نهایتاً در مرحله اختصاص پول از خزانه شاهد ۱۲. گلوگاه‌های مداخلاتی و تعدیلاتی و تعدیلاتی دستگاه‌های مختلف در سند قانون مصوب هست، که در نوع خود کم‌نظیر و شاید بی‌نظیر باشد

7. Path-dependency and Lock-in
8. Micro-politics
9. Over-politicisation
10. Re-election minded



قانونگذاري کشور نيازمند پالایش و ساده‌سازي است. ادغام شوراهای فرا-بين قوه‌ای و تفکيک دقيق وظايف آنها و ماشين تقنينی کشور ضرورتی میان‌مدت بنظر می‌رسد

۲- همزمان ارتقای اجراپذيري اسناد سياسستی و قانونی مصوب و تجهيز آنها با سازوکارهای تحقق و عملياتی شدن و به طور خاص اتصال آنها به سند بودجه به‌عنوان التزام مالی اجرا، به چارچوب بندی سياسستی بودجه‌های سالیانه کمک خواهد کرد

۳- نهایتاً تغيير رویکرد دولت و مجلس به لایه سياسستی سند بودجه به مثابه سند ريل گذاری اداره سالیانه کشور - و نه تنها تراز حسابداری دولت‌ها - فرصتی کم‌نظير برای جبران بخشی از خلا سياسستی و حکمرانی‌گریزی مدل اداره بخش عمومی کشور را بوجود خواهد آورد

تجهيز دولت‌های مدرن به ابزارهایی برای تثبيت حکمروایی و پياده‌سازي سياسست‌های عمومی خود بدون اتکا به تصدی‌گری ارایه تمامی خدمات مستقيماً توسط دولت اشاره دارد

۸- این تعابیر بعنوان مکمل فعالیت سياستگذاري کلان در حکم رهبر انقلاب به اعضای دوره جديد مجمع تشخيص مصلحت نظام در سال ۹۶ ابلاغ شده است

۱۲- در سنتی استثنایی، لایحه بودجه، پس از تصویب در مجلس، در مراحلی چون امضای تفاهم‌نامه سازمان مدیریت و دستگاه‌ها، و بعد از آن میزان تخصیص و نهایتاً در مرحله اختصاص پول از خزانه شاهد گلوگاه‌های مداخلاتی و تعديل‌های دستگاه‌های مختلف در سند قانون مصوب هست، که در نوع خود کم‌نظير و شاید بی‌نظير باشد



**آهنگ ناهماهنگی  
در برنامه ریزی بودجه ای کشور**





## روح ا... هنرور

### مدیر گروه مطالعات دولت و بخش عمومی

فرآیند بودجه‌ریزی اندیشیده شده است. در این میان باید به نقش کلیدی برنامه‌های توسعه به عنوان محور تلاش‌های سی ساله اخیر برای توسعه و آبادانی کشور دقت داشت، چرا که با توجه به اهمیت برنامه‌های پنجساله توسعه به عنوان سند بالادستی بودجه‌ریزی، می‌توان ادعا کرد اثر این ناهماهنگی‌ها در تصویب بودجه هم خود را نشان می‌دهد. این مساله خصوصاً از این منظر قابل توجه است که در کشور ما، دولت و مجلس (با یک اختلاف فاز ۱۵ ماهه) در دوره‌های چهارساله عوض می‌شوند و برنامه‌های توسعه در دوره‌های پنج ساله تصویب می‌شوند. البته در عمل، از سال ۱۳۶۸ تاکنون که اولین برنامه پنجساله تصویب شد، تغییر اساسی

اختلاف نظر بین دولت و مجلس، سرنوشت بودجه سال آینده را در حالی در پرده ابهام برد که در سال‌های اخیر بحث اصلاح فرآیند تدوین بودجه از دیدگاه‌های گوناگون مطرح شده است. در میان نقدهای متعددی که بر فرآیند بودجه‌ریزی کشور وارد شده است

یک مساله ظاهراً از نظرها مخفی مانده است و آن تناسب زمانی بین تحولات عرصه تصمیم‌گیری کلان کشور و فرآیند بودجه‌ریزی است

به عبارت دیگر، می‌توان پرسید چه تدبیری برای برقراری تناسب بین تحولات در عرصه کلان تصمیم‌گیری کشور و

۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰	۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸	۹۹		
سوم			چهارم			پنجم			ششم			هفتم			هشتم			نهم			دهم			مجلس										
۱۲			۹			۱			۳			۷			۱۰			۳			۳			برنامه پنجساله										
۵			۵			۵			۵			۵			۵			۵			۵			دولت										
هاشمی رفسنجانی						خاتمی						احمدی نژاد						روحانی																
بودجه چنددوازدهم																																		
؟																																		

جدول ۱- بازه زمانی دوره‌های مجلس، دولت و برنامه‌های پنجساله و موارد استفاده از بودجه چنددوازدهم از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۹ اعداد داخل خانه‌های جدول ماه تشکیل دولت یا تصویب برنامه را نشان می‌دهد

یکی از مهمترین عوامل عدم تعهد و پاسخگویی دولت‌ها در قبال برنامه‌های توسعه و ضعف مجلس در مطالبه و ارزیابی، ناهماهنگی عمیقی است که بین دوره‌های زمانی مجلس، دولت و برنامه‌های توسعه وجود دارد

در مجموع در ۳۱ سال گذشته، به مدت ۹ سال (بازه‌های ۷۸-۱۳۷۶، ۹۰-۱۳۸۷ و ۹۴-۱۳۹۲) نه دولت و نه مجلسی که مستقر بوده‌اند نقشی در تصویب برنامه پنجساله جاری آن زمان نداشته‌اند. علاوه بر این، دو مجلس ششم و نهم هیچ نقشی در برنامه‌های پنج ساله توسعه کشور نداشته‌اند، چرا که برنامه‌های توسعه قبل از آغاز به کار آنها تصویب شدند و پس از پایان آنها منقضی شدند.

روشن است که کمتر مزیتی را می‌توان برای این شیوه برنامه‌ریزی در نظر گرفت. انتظار تبعیت از برنامه توسعه‌ای که در دولت و مجلس قبلی تدوین شده اند از دولت و مجلس مستقر - خصوصاً در شرایطی که گرایش دولت یا مجلس تغییر کرده باشد - نه مدبرانه است و نه عملی. در مقابل باید نظام برنامه‌ریزی کشور را به شیوه‌ای اصلاح نمود که حداکثر مسئولیت را برای دولت و قابلیت پیگیری برای مجلس ایجاد کند.

با توجه به مشکلات فراوانی که اجرا و پیگیری برنامه‌های توسعه با آن مواجه بوده‌اند و ابهامات متعددی که در نقش و جایگاه قوانین بودجه سالانه در نظام برنامه‌ریزی کشور وجود دارد (از جمله وجود بندهایی که تبدیل به قوانین دائمی و یا مبنای تشکیل سازمان‌های دائمی شده‌اند)، تداوم شیوه کنونی به صلاح کشور نیست. حل مسائل موجود نظام برنامه‌ریزی توسعه کشور مستلزم ایجاد تغییر اساسی در ساختار دوره‌های برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی است. یک رویکرد جدید می‌تواند این باشد که به جای برنامه‌های توسعه، هر دولت در سال ابتدایی فعالیت خود برنامه ۴ سال آینده را (با برآورد بودجه مورد نیاز) به مجلس عرضه کند. باید امکان قرار دادن هر بندی که اعتبار قانونی آن بیش از چهار سال باشد در این برنامه (از جمله هر حکم دائمی یا تشکیلاتی) از دولت سلب شود، تا دولت از طریق لویح دیگر آنها را دنبال کند. در مقابل، رای مجلس به

دولت در بازه‌های هشت ساله رخ داده و برخی برنامه‌های توسعه با یک سال تاخیر تصویب شده‌اند. یک نگاه به تاریخ تشکیل مجلس و دولت و تصویب برنامه‌های پنجساله اثر این ناهم-آهنگی را آشکار می‌کند.

چنانکه در این جدول مشخص است، قانون برنامه پنج ساله اول توسعه که موفق‌ترین برنامه از حیث دستیابی به اهداف به شمار می‌رود - در مجلسی تصویب شد که تا سال ۱۳۶۸ مرحوم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی بر آن ریاست داشت و اجرای آن هم در زمان ریاست جمهوری وی پیگیری شد. اما پس از دوره هشت ساله آقای هاشمی رفسنجانی، سه سال اول دولت حجت‌الاسلام خاتمی مشمول برنامه توسعه‌ای بود که مجلس چهارم تصویب کرده بود. به این ترتیب، برنامه سوم توسعه در ماه‌های پایانی مجلس پنجم در حالی به تصویب رسید که جریان همسو با دولت در مجلس ششم به دولت راه پیدا کردند. به این ترتیب هر دو برنامه توسعه بازه هشت ساله دولت آقای خاتمی در مجلس‌هایی به تصویب رسیدند که با دولت وی همسو نبودند و دولت وی تنها در لایحه برنامه دوم (برنامه پنج ساله سوم) نقش داشت. به طور مشابه، دولت اول آقای احمدی‌نژاد در مرداد سال ۱۳۸۴ در شرایطی بر روی کار آمد که برنامه پنج ساله چهارم توسعه کشور در مهرماه سال پیش به تصویب رسیده بود. به این ترتیب - با تاخیری که در بررسی و تصویب برنامه پنجم توسعه بوجود آمد - دولت وی تا سال دوم دوره دوم ریاست‌جمهوری او فرصت تدوین برنامه توسعه نیافت. دولت حجت‌الاسلام روحانی هم در شرایطی روی کار آمد که هنوز سه سال از برنامه پنجم توسعه باقی بود. تاخیری که در ارائه و بررسی برنامه ششم توسعه بوجود آمد، این فرصت را برای دولت آقای روحانی ایجاد کرد که برنامه ششم توسعه را با مجلس دهم که همسوتر از مجلس قبلی بود به تصویب برساند، اگرچه وابستگی این برنامه به رفع شرایط تحریم منجر شد با خروج آمریکا از برجام اجرای آن با مشکلات جدی مواجه باشد.

آنچه این مرور کلی بر رابطه بین تحولات در عرصه کلان تصمیم‌گیری کشور و فرآیند برنامه‌ریزی توسعه نشان می‌دهد این است که

کرد و از آن به عنوان ابزار حفظ انضباط مالی استفاده نمود  
مهمترین مزیت این رویکرد این است که هر دولت در برابر  
برنامه اجرایی که در دست دارد مسئول خواهد بود و حتی  
با تغییر مجلس، مجلس بعدی می‌تواند نتایج برنامه دولت  
را پیگیری نماید. علاوه بر این دولت‌ها مجبور خواهند بود  
به جای نگاه کوتاه مدت سالانه، برنامه‌ای بلندمدت ارائه  
کنند که به ایجاد ثبات اقتصادی در کشور کمک خواهد  
کرد. در یک نگاه فراتر، کاندیداهای ریاست جمهوری  
گرایش خواهند داشت کلیات برنامه ۴ ساله خود را در زمان  
انتخابات ریاست جمهوری عرضه کنند که هم مبنای  
تصمیم‌رای‌دهندگان قرار بگیرد و هم بتواند مبنای ارزیابی  
عملکرد دولت‌ها در جامعه قرار بگیرد. در مقطع کنونی که  
مجلس تازه نفس و دولت جدید در راه است، فرصتی است  
تا به جای تکرار یک سیکل تازه از ناهماهنگی برنامه‌ریزی،  
رویکرد جدیدی برای برنامه‌ریزی کشور اتخاذ شود

اجزای برنامه دولت باید صرفاً اعلام موافقت یا مخالفت  
باشد و مجلس راساً تغییری در برنامه دولت ایجاد ننماید.  
در این شرایط، در صورتی که برنامه‌ریزی به خوبی انجام  
شود، دولت در ابتدای چهار سال می‌تواند مطمئن باشد که  
احتیاج به مصوبه کلانی برای اجرای برنامه‌های خود ندارد  
و می‌تواند با رعایت انضباط مالی در چارچوب بودجه  
مصوب برنامه‌های خود را پیگیری نماید. در این رویکرد،  
بودجه‌های سالانه تبدیل به تبصره یا اصلاحیه‌هایی بر برنامه  
چهارساله دولت می‌شوند که در پایان هر سال می‌توانند  
تصویب شوند. دامنه تغییراتی که در قالب این تبصره‌ها  
می‌توان در برآورد بودجه و یا برنامه‌های دولت ایجاد شود  
باید در قانون محدود شود تا ثبات نسبی در برنامه‌ریزی به  
وجود آید. بدیهی است که -مشابه وضع فعلی- دولت  
همچنان می‌تواند لوایح دیگری را برای اجرای برنامه‌های  
خود به مجلس ارسال کند، اما بر اساس برنامه چهارساله  
می‌توان برای این لوایح محدودیت‌های بار مالی تعریف



**آشفته بازار بودجه  
نیازمند طرحی نو**



## مهدی زینالو

مدیر مرکز مطالعات پارلمان

سوال این جاست که اصلا بودجه ی کارآمد یعنی چه؟ در نظام برنامه ریزی ما که برنامه ی توسعه عمدتا زینت المجالس است بودجه ی خوب دقیقا به چه معناست و چه چیزی معیار بودجه ی خوب است؟

تاکنون به این فکر کرده اید که مجلس در این فرآیند پرتنش و پرهیاهو با انبوهی از نظرات متنافر و متضاد دقیقا چه چیزی را اصلاح می کند و اصلا آیا می تواند اصلاح کند؟ در برخی کشورها بودجه بسیار مفصل نوشته می شود و در برخی بسیار مختصر و لاغر. کدام یک از این دو مدل برای کشور ما مناسب است؟

به نظر می رسد انبوهی سوال مهم راجع به اصلاح بودجه در مجلس قابل طرح است که هر کدام می تواند مسیر حرکت این قانون یکساله ی بی بدیل را کیلومترها جابجا کند. البته قانونی که با ابزار «تخصیص» که در اختیار دولت است و بی نظارت کسی هرگونه بخواهد استفاده می کند تبدیل به «تقریبا هیچ» می شود

در این آشفته بازار بودجه اما برخی کشورها راهکارهای بدی را در پیش نگرفته اند گویا کمی تأمل کرده اند و به نکات جالبی رسیده اند. اگر بخواهیم خیلی مختصر و البته

طرحی نو برای بودجه ی کشور را با ذکر مقدمه ای عرض می کنیم. انتقادات مختلفی به درستی به فرآیند رسیدگی بودجه در کمیسیون تلفیق و همچنین در صحن مجلس انجام می شود. گفته می شود که کسری بودجه یکی از ریشه های ترین آسیب های بودجه است. دولت طبیعتا علاقه دارد امکان هزینه کرد بیشتری را برای خود ببیند حتی اگر پول نداشته باشد. مجلسیان نیز دوست دارند هر آنچه در لایحه نوشته شده را به سمتی ببرند که به نام خود رفاهی را برای بخشی از مردم ایجاد کرده باشند لذا بر سمت مصارف می افزایند. با این حساب امید بهبود بودجه از مسیر اصلاح فرآیندهای رسیدگی به بودجه در کمیسیون تلفیق و صحن مجلس شاید امیدی در حد امید به دولت امید باشد! فرض کنیم سال بعد که به بودجه رسیدگی می شود بسیاری از ایرادات از جمله نگاه بخشی یا محلی نماینده ها برطرف شده است، فرض کنیم تعارض منافع نمایندگان عضو هیئت علمی و پزشکان کنترل شدند. فرض کنیم منابع موهوم برای خرج تراشی زیاد به لایحه اضافه نشود فرض کنیم نمایندگان با نیت کاملا ملی و با مطالعه ی دقیق لایحه می خواهند نظر بدهند آیا بودجه ی ما کارآمد خواهد شد؟

با کمی تلخیص به آن پردازیم اینگونه می شود دولت بودجه را در دو مرحله به مجلس ارائه می دهد. در مرحله اول منابع، اهداف و برنامه های کلان مصارف در هر حوزه ارائه می شود. در مجلس این موارد مورد بررسی قرار می گیرد و صرفاً راجع به سقف هر بخش و برنامه های موجود در آن بخش رسیدگی می شود. مثلاً برنامه تحول نظام سلامت در وزارت بهداشت و سقف بودجه ای بهداشت مورد توجه قرار می گیرد اما اینکه بودجه کدام دستگاه چه قدر است و بودجه ای کدام شهر چگونه است بررسی نمی شود

**در مرحله ی دوم دولت با رعایت کردن سقف های مشخص برای هر بخش که در مرحله ی قبل تصویب شده است ریز هزینه ها بر اساس برنامه ی خود در همان بخش را ارائه می دهد**

در این مرحله منابع غیر قابل تغییر است و از قبل مشخص شده است و مجلس صرفاً مصارف هر بخش بر اساس سقف تعیین شده در همان بخش را رسیدگی می کند (در این قسمت برخی کشورها کلاً اجازه ی ورود مجلس در مرحله ی دوم را نمی دهند. با این کار یکپارچگی بودجه در مرحله ی اول و دوم حفظ می شود و از ابتدا نمایندگان با انواع سلايق مختلف وارد مساله نمی شوند همچنین افزودن منابع موهوم در مرحله ی اول به خاطر عدم امکان اختصاص دقیق به مصارف مد

نظر خود کمتر می شود

نکته ی تکمیلی مهم آن است که با تصویب لوایح تخصیص در این کشورها دست دولت در تخصیص نا متوازن بسته می شود. مثلاً مصوب می شود که تحت هیچ شرایطی نباید درصد تخصیص حداقل و حداکثر بیش از ده درصد باشد. به این معنی که دولت اگر بودجه ی یک نهاد را به مکیزان ۷۰ درصد تخصیص داد همه ی دستگاه های دیگر باید حداقل ۶۰ درصد تخصیص دریافت کرده باشند. با این اهرم دولت در همان روز نگارش پیش نویس بودجه می داند که اگر بودجه ی اضافی برای بخش های مختلف در نظر بگیرد مجبور است آنها را تا حد زیادی پرداخت کند و چون پول بیش از حد ندارد پس باید به سمت نگارش بودجه ی بر اساس واقعیات و منابع پیش برود تا امکان تحقق داشته باشد

طبیعتاً اگر بخواهیم چنین سیستمی را برای کشورمان پیاده کنیم باید دیوان محاسبات بسیار مقتدر و دارای ابزارهای نظارت مالی جدی از جمله داده های برخط سازمان برنامه و بودجه و همچنین اطلاعات خزانه کل را از قبل طراحی کرده باشیم

به عنوان جمع بندی می توان گفت هم اکنون به جای آن که برای اصلاح بودجه صرفاً نگاه به مجلس داشته باشیم باید همه ی اجزا از جمله قانون بودجه نویسی، چگونگی رسیدگی به بودجه در مجلس و چگونگی نظارت پسینی توسط دیوان محاسبات را مورد بازبینی قرار دهیم و طرحی نو برای بودجه در اندازیم





آدرس: تهران / خیابان آزادی / بعد از دانشگاه شریف  
کوچه صادق / پلاک ۲ طبقه ۴

تلفن: ۶۶۱۹۷۹۳۵

فکس: ۶۶۰۹۲۸۷

کدپستی: ۱۴۵۸۸۴۶۳۵۴

سایت: [www.gptt.ir](http://www.gptt.ir)

اینستاگرام: [gptt.ir](https://www.instagram.com/gptt.ir)